مکتوبات گیلانی

حضرت عبدالقادر گیلانی

سلام الله علیه

ترجمه : ح.ک.مقدّم

خورشیدهای دیگر غروب کردند

خورشیدِ ما برفراز افلاک است

غروب نخواهد کرد.

حضرت عبدالقادرگیلانی

(حضرتشان با بکاربردن ضمیرجمع ،آشکارا

به اهل بیت پیامبراکرم-ص- اشاره دارند.)

بِسمِ الله الرَّحمن الرَّحیم

مقدّمه

الله راسپاس وستایش باد..به عدد تمامی مخلوقاتی که دیده میشوند ونمیشوند..به تعداد حکمتهائی که قرآن حکیم احتوا مینماید..به تعداد جفت وفرد،الله را سپاس باد..به اندازه سلطنت الهی وبه میزان حُبِّ الهی الله را سپاس باد...چه در ظاهروچه درباطن هرلحظه وهمواره الله را سپاس وستایش باد.

از ازل تا به ابد شریکی برای الله وجود ندارد.او پاک است و مقدّس است.

خلق را او خلق نمود،اوست که اشکال آنان را زیبا قرار داد.راه تقدیر را او ترسیم نمود.راه راست را او به انسانها نشان داد.

آنکه می میراند، زنده میگرداند الله است ...الله است که می خنداند، می گریاند.اوهرآنکه رابخواهد بیمار می گرداند واگربخواهد انسانها را از هرفلاکتی حفاظت می نماید،اگر

بخواهد به فلاکت دچارمی نماید..اوست که می بخشد،اوست که نمی دهد.

آسمان به امر اورفعت یافت .زمین به فرمان اوگسترده شد.کوههای بزرگ وتپّه ها با امر اوست که می ایستند وحاکم برزمین می باشند.

هیچکس نمی تواند ازرحمت حقّ قطع امید نماید.ازعذاب اوهم نبایدکسی خود را درامان بپندارد...حکمی که اوصادرنماید حتی یک لحظه به تأخیر نمی افتد.کارهائی که انجامشان لازم است بلافاصله انجام می پذیرد.امر بجاآورده میشود وکسی نمی تواند مانع این گردد.

همه بنده او هستند.هرآنکه بخواهد و هرآنکه نخواهد،به او خدمت می نماید.درهمه جا اوست که مدح میگردد ودرهرزبانی محبّت اوست که زنده می گردد.جائی وجود نداردکه نعمت او به آنجا نرسیده باشد.ازهرسوئی وجه اوقابل رؤیت است.دائماً در زبان، شکر اوست که جاری میباشد.

ستایش وسلام بر پیامبرمان باد.هرآنکه تابع آن پیامبربزرگ گردد راه راست را می یابد.

هرآنکه از او روبگرداند به ذلّت افتاده و لگدمال میگردد.هرسخنِ آن پیامبر بزرگ(ص)

صحیح است وقرآن شاهد این است.آن پیامبر بزرگ به دنیا بیش از اندازه اش ارزش نداد.اوتنها به الله اعتماد نموده و او را دوست داشته است. هم چنانکه بزرگی او بی نهایت است.ازمیان مردم برگزیده شده و آمدنش حقّ وحقیقت را به میدان آورده.

باطل سرنگون شده،بت ها برزمین افتاده اند.روی زمین با نوراو روشن شده ونورش تا روز قیامت برآنانی باد که تابع اوشده اند.تمام التماس مان به الله است.درنهایت به او بازخواهیم گشت.اوست که ماراخلق نموده ،تغذیه می کند،بزرگ می کند،می خوراند، می نوشاند.اوست که بدست ما کارهای مفید را انجام میدهد وازچیزهای مضرّ دورمان نگاه میدارد.آنچه را که شمردیم نعماتی است که الله به ما احسان فرموده.

درسخنان وکارهائی که انجام میشود،حکمت هائی که دیده میشود وغیرقابل مشاهده است وجود دارند.درهرکاری که انجام می دهیم،درهرقدمی که برمی داریم کمک بزرگ او وجود دارد.درسختی ها اوست که به فریاد میرسد.اوست که مانع میشود که هستی از دست برود.زیرا اوست که هرآنچه بخواهد انجام می دهد.قدرتش کافی است برای آنکه هرحکمی راکه بخواهد صادرنماید.پنهان راهم می داند،آنچه که انجام می پذیردبا فرمان اوست.تمامی خطاها برای او روشن است.اوهرآنکه را که بندگی او می کند وهرعصیان کننده به خودش را می شناسد.التماس کنندگان را می شنود.دعای دعا کنندگان را می پذیرد

کسی توان مقابله با اورا ندارد.این حقّ به کسی داده نشده است.درنزد او شاه وگدا یکی است.سپس مایلم این را بیان نمایم که نعماتی که الله به من عطا فرموده بی شمارند.

اینها را با شمردن نمی توانم به پایان برسانم.

زیرا الله تعالی چنین فرمود : " تمام نیکی ها که درنزدشماست از الله است ."

بازفرمود : " نعمات الله رابا شمردن نمی توانید به پایان برسانید."

نعمات اودرتمامی حالاتم قابل مشاهده است.صاحب چنان نعمات بزرگی هستم که زبان شمردن آنها را ندارم.حتّی توان شکرگزاری برای همه آن نعمات از من بسیار دوراست.

عمرم به پایان میرسد امّا بازهم قادرنخواهم بود که بدهی شکرش را ادا نمایم.اعداد به پایان می رسند امّا نعمات را باشمردن نمی توانم به پایان برسانم.

یاور وکمک رساننده آنانی است که در راه راست میروند و یاور وکمک رساننده جویندگانِ حقّ هم الله است.

نامه اوّل

ای عزیز ، ای کسی که الله تعالی او را عزیز نموده وتلطیف به نعمات الهیش نموده ،
بدان که : درمعنای این آیه " الله هرآنکه را اراده کند به نورخویش واصل میگرداند "
(سوره نور/۳۵) گفته میشود که این یک منبع نورو فیض می باشد.ازآن ابرهای فیض ونور ،رعدهائی برمی جهد.توتصوّرکن درآن زمان چه ها خواهدشد .

" اوبا رحمت خویش به هرآنکه اراده نماید امتیاز می بخشد." (آل عمران/۷۴)

آنچه از این کلام رفیع دریافته میشود،درسایه کمک الهی ،نسیم وصال بربالای سرت مداوماً درگردش خواهد بود.درآن زمان درعرصه دل،عطرهای تقرّب به مشام می رسد، وآن عطرها درباغ های بهشت

کاشته شده جوانه می زند. " آی غصّه ای که بخاطریوسف کشیدم " (یوسف/۴۸) معنای این آیه-

با بلبلان شرق نغمه سرائی می نماید.درعالم اسرار با پر قوهای آرزو نورفشانی مینماید.

دیگرپرندگان هجردرعرصه عظمت اوج می گیرند وتا نقطه اوج آن پر می گشایند.این است احوال مربوط به عرفان .این عالم ،عالم معرفت است ،دراین عالم وادی هائی بی پایان وجود دارد.آنجا حتّی عقول بلندمرتبه را نیزبه حیرت می افکند.درآنجا چه احوال هراس آوری وجود دارد.ویک آن – می نگری که دستی ازهیبت بر روی تو در حال فرود آمدن است.درآن لحظه است که تمامی اساسِ درک وفهمت به لرزه می افتد.سپس عالم دیگری آغاز میگردد.ازپس پرده ها نداها بلند میگردد.نداهائی بسیار پراحتشام .گوشها توان آنها را ندارند.به معانی عمیق آن، قلبها راتوانِ تحمّل نیست.

" الله را آنگونه که استحقاقش را دارد نتوانستند تقدیرنمایند ." (انعام/۹۱)

کدام گوش تاب تحمّل این معنا را دارد؟ اگراین معنا تورا مخاطب خویش می ساخت ؛ درآن زمان بود که یقیناً جان از کف می دادی.دریای این معنا بسیار وسیع است.درآنجا کشتی های رفعت درسیر هستند درآن کشتی ها مسافران حقّ(سالکان حقّ) هستند.دراین دریا نه امواج و نه خطرات اهمیّتی ندارند.آن کشتی ها به هیچ وجه کوچک نیستند.

" کشتی درمیان امواجی که مانند کوههائی موّاج بودند سیرنموده ،آنها را میبرد." (هود/۴۲)

این کلمات معانی بسیاربزرگی به همراه دارند.این بادی است که بادبان های کشتی ها راپُرمیکند.
بیندیش و دریاب وباز هم بیندیش.

" الله قومی پدید می آورد که او آنها را دوست داشته وآنها هم الله را دوست خواهند داشت" (مائده/۵۴)
به این معنای ظریف فکرکن .آنجا یک دریای بی آغازوبی پایان است.این دریا ،دریای عشق است.آنجا دریای محبّت ،دریای عشق است.اهل عشق دراین دریاها بادبان می کشند وبه آن سو می روند.به چپ وراست خوابیدن کشتی درمیان امواج آنها را هراسان نمی سازد.امواج خطرناک آنها را از ادامه راه باز نمی دارد.امواج به اندازه کوهها هستند.باید آنهارا به زیرکشید.آنان با یاری الله تعالی محافظت میگردند.رهروانِ آن اینها را میدانند.بازهم التماس می کنند:
" ای پروردگارمن ،مرا به جائی با برکت فرودآر.توبهترین فرودآورندگانی." (مؤمن/۲۹)
این جای با برکت کجاست؟ واصل شدن به الله تعالی وتقرّب به اوست.دراین میان آنچه اهمیّت دارد قابلیّت هاست.دراین اثنا ،التماس و زاری و ضجّه وجود دارد.
" آنانکه ازسوی ما درحقّشان احسان شده است ،ازجهنّم دورگردانده می شوند." (انبیاء/۱۰۱)
چیزدیگری جزاین کلمات وجود ندارد که بدست آمده باشد.درآن راه جادّه هائی هستندکه راه گم نموده اند.آنان را چه کسی جستجو خواهدنمود؟ درخصوص سرهای بریده چه کسی خواهدپرسید؟تنها کسانی که نجاتشان تقدیرگردیده است نجات می یابند.قابلیّتی که از ازل آمده این چنین است.دریاها طوفانی میشوند.امواج سالکان عشق را درمیان می گیرد.اگرالله تعالی نجات ایشان را اراده نموده باشد مانند آیه :
" کشتی هم بر روی کوه جودی به خشکی نشست." (هود/۴۴) به سلامتی به خشکی درمی آیند.دیگر جاذبه رحمن به اواصابت می نماید.درحالیکه جذب میگردد به "جائی که پاداش صدّیق است" (قمر/۵۵) آورده شده است.این مقام معنوی ،مقام الطاف واحسان هاست.مقام های بسیاری وجود دارد.توقّفگاه هائی وجود دارد.توقّف گاه هرمقام برحسب اشخاص تغییرمی یابد.به نظرچنین می آید که یک مقام است امّا بسیاری جاها هست که بایدپشت سرگذاشته شود.همه آنها ازیک نقطه می گذرند:
" آیا من پروردگارشما نیستم ؟ " (اعراف/۱۷۲)
توقّف گاهی که آن نقطه می گذرد همان است که درآیه بدان اشاره گردیده.درکلمات، معانی عمیق پنهان است.آنکه این توقّف گاه را پشت سرگذارد به مقام وصلت خواهد رسید.به این نقطه هم تنها اهل قابلیّت می توانند رسید.اینان درشادی وسرور خواهند بود.به ایشان نعمات الهی داده میشود.ازآن نعمات به وفور دریافت می نمایند.
" برای آنانکه نیکی می کنند ،نیکوئی هائی بهتر و زیباتروجود دارد و بیش از آن هم." (یونس/۲۶)

آنچـه دراینجـا ازآن بـه عنـوان –نیکـی زیبـا-نعمـات – وبـیش از آن- یادشـده ،واصـل شـدن بـه حـقّ تعـالی اسـت.هرکس کـه بخواهـد بـه ایـن وصـلت برسـداز دریـائی کـه دربـالا ازآن یادشـد بایـد بگـذرد.تنها چیـزی کـه درایـن راه بـرای سـالک لازم اسـت عشـق اسـت.آنکه ایـن را بدسـت آورد،نترسـد.او هردریائی را پشـت سرخواهدگذاشـت.دریاها کوچـک میشـوند،کوهها،وادی هـا بـه انـدازه گـامی کوچـک میشـوند.تنها چیـزی کـه رهرو(سـالک) را پـیش میرانـد عشـق است.عشـق بـرای رهـروان ایـن راه یـک آتـش اسـت، مـی سـوزد،آب میخواهـد.ازآن آب دریـغ نمـی گردد.سـوزش عاشـقِ حـقّ وشـفای قلـب بیمارش،تنهـا بـا وصـلت شـفا مـی یابد.شـراب عشـق آن آتـش را خـاموش میسـازد.قدحِ شـرابِ عشـق تقـرّب اسـت.جامِ وصـلت است.نوشـیدن شـراب ازجـام وصـلتی کـه ازقـدحِ تقرّب سـاخته شـده.درآنجا سـاقی هـائی ماننـد حـوری هـا درمیانـه مـی گردند.بـه قلبهـائی کـه بـا آتـش عشـق میسـوزند،چیزهائی تقـدیم مـی نماینـد.آنان هـم بـدون توجـه بـه کسـی کـه آن را عرضـه داشته ،می نوشند و اما فریب نمی خورند ، كه فرموده شده :

" زیـرا پروردگارشـان بـه ایشـان از عـالی تـرین وپـاک تـرین شـراب اکـرام مـی نمایـد . "
(انسان/۲۱)

چـه شـراب عشـقی اسـت آن شـراب، آنانکـه بنوشـند واصـل شـده اند.سـاقیش الله اسـت.او کـه رفیـع الشّـأن است.آنان بـه آنچـه کـه باید برسـند رسـیده اند.آنچـه جسـتجویش نمـوده انـد را یافتـه انـد.دراین راه دیگـر چـه بخواهنـد که؟آنانکـه او را نیافتـه انـد، نایسـتند.آنانکه یافتـه انـد محـروم نخواهنـد شد.آخرین توقّف گاه آنجاست.آنکه به آنجا رسیده به مُلکِ بی پایان واصل شده است.

" درآنجا به هر کجا که بنگری ،نعمتی بزرگ و مُلکی محتشم خواهی دید. " (انسان/۲۰)

چـه زیباسـت خـودیِ خـود را گُـم کردن.زیـرا دربرابـر آن واصـل شـدن بـه الله تعـالی اسـت.مولای تعالی بیرون شدن از تمامیِ موجودیّت را نصیب فرماید. آمین.

نامه دوّم

ای عزیز ،

دراین نامه ازچیزهای مختلفی بحث خواهم نمود.اینهائی که ازآن سخن خواهم گفت تورا به ایمان ،عمل ،جهاد تشویق خواهدکرد.نامه رابخوان وتلاش کن که آنچه راکه لازم است انجام دهی.

طلب کن ، اوقاتت رابه پوچی نگذران ،همیشه چیزی باشدکه درجستجویش باشی.

طلب کن تا بیابی ،امّا آن هم راهی دارد.خودت رادرآیه :

" آنانکه درراهِ ما مجاهده می کنند." (عنکبوت/۶۹) ، ذوب کن.

بی آنکه کاری انجام دهی به دستت هیچ چیزنخواهد رسید.بدون واصل شدن به اصول اخلاقی نمی-توانی واصل گردی.طلب خواهی نمود امّا نباید دراین افراط نمائی.طلب مفرط بی پاسخ خواهدماند.درطلب باید به مولا تعالی دقّت نمائی.ازحدودی که او ترسیم نموده فراتر نرو.اگرچنان کنی واصل نخواهی شد.آنچه را که دردست داری را هم ازدست خواهی داد.

فرموده شده است : " الله خودش امر میفرماید که ازاو بترسید ." (عنکبوت/۶۹)

سخن گفتن درخصوص ذات الله تعالی وحدس وگمان درحقّ او منع شده است.باید مرزهای طلب نمودن ترسیم گردد.تا آن مرزها ست که باید به راهت ادامه دهی.فراتر ازآن نباید مورد طلب واقع گردد.

درانتظار می مانی اگر راه بازشد میتوانی ادامه دهی.اگرمنتظربمانی می توانی ادامه راه بدهی ،ازانتظارکشیدن خسته نشو.طلب درونیت را ادامه بده.براساس قوانین باشد.طلبِ صاف وتمیز میبایست به آن شکل باشد. این مژده وجود دارد :

" به راه راستمان هدایت خواهیم نمود ." (عنکبوت۶۹)

این مُهرِ پادشاهی بر روی او زده میشود.این مُهرتنها آن کسی را میشناسد که به او زده شده.به آنانی که این را ادامه دهند زده میشود.چه شرافت بزرگی است دریافت آن مُهرِ بزرگ.

طالب به نسبت آن چیزی که طلب می کند است که ارزشش مشخّص میگردد.اموال دنیوی درکناراین بی ارزش است.درکنارمطلوب چه ارزشی می تواند داشته باشد دنیوی ها؟بازارِ اصلی این است:

" الله ازمؤمنان، نفس هایشان واموالشان را دربرابر بهشتی که به ایشان داده میشود، خریداری می نماید." (توبه/۱۱۱)

آنچه مورد طلب واقع میشود به اندازه ارزشش قیمت می یابد.اگرمطلوب چیزی با ارزش باشد، قیمتش هم ارزشمند خواهدبود.قیمت آن میتواند سرمایه طالب گردد.اگرشرائطش را بجا بیاوری همان سرمایه-ات میگردد.

" خوب بدانید که، دینی که خالص ازشرک و ریا گشته باشد، ازآن الله است ." (زمر/۳)

دیگر معنا را دریاب.اگربا اخلاص باشی،آنچه که بدست خواهی آورد هم با اخلاص خواهدبود.صاحبان اخلاص هم درخطرهستند.گذرنمودن ایشان تنها با عشق ممکن می گردد.با عشق راههای خطرناک ،آسان میگردد.اگرعشق بیابی، اهل شوق خواهی شد.اگراخلاص رابیابی، سرّ این آیه را درخواهی یافت : " کسی که الله برای اسلام به سینه اش وسعت داده شود،بر روی نورپروردگارش میباشد."

(زمر/۲۲) و مقام احسان را درخواهی یافت.مقامی که درآن ،گوئی الله را میبینی.آیه راهت را روشن خواهدنمود.راهها برایت بازخواهدشد.اگرعشق وشوق را بیابی، چه احسانهائی که برایت خواهدشد،ربّمان سینه ات را فراخ خواهد فرمود . این آیه قلبی را که لازم باشد به حرکت درمی آورد:

" به من دعا کنید ، شما را اجابت نمایم ." (مؤمن/۶۰) ، شروع به دعا مینماید،پاسخش را دریافت مینماید.یکی ازمهمترین چیزها دراین راه نائل شدن به لطف الهی است.اگرآن را بیابد مرتبه اش رفعت می یابد.دنیا ازچشمش زدوده میشود.حقیقت را درمی یابد.آنچه را که دریافته به دیگران می فهماند.

درآن مقام به تو گفته میشود : " بگو" (نساء/۷۷).با این امر توشروع به گفتن می نمائی.شروع به لرزیدن می نمائی.امّا زمانی که دریافتی این تهدید نیست،به راحتی می رسی.واین آیه به کمکت میرسد : " فائده دنیا کم است ." (نساء/۷۷).چیزهای گذرا تماماً ازقلبت زدوده میشوند.دیگر ازآنِ آنچه که باقی است خواهی شدونه ازآنِ آنچه که فانی است.زبانِ کَرَم به کمکت می رسد که :

" برای پرهیزکاران ،آخرت نیکوتراست ." (نساء/۷۷). دلش بازمیشود .خلأ وپوچی جایش رابه آنچه که باقی است می دهد و با باقی پرمیشود.این حقیقتی بسیارمتفاوت است.بیرون رفتن دنیا ازقلب وآمدن آخرت به جای آن شبیه چیزی نیست که ازبیرون دیده میشود.این یک حال است و علامات و نشان هائی دارد. این کلمات : " برای پرهیزکاران " (نساء/۷۷) نجات بخش هستند.

این را بیان می نماید که : پرواکنندگان تنها آنانکه از دنیوی ها روی برمی گردانند،آخرت را برتر می بینند.آنکه حقیقت را دریابد، محبّت دنیا را ازقلبش خارج کرده بجایش آخرت را می گذارد.برای محافظت ازمحبّت نسبت به آخرت ، باید ازپرهیزکاری قلب نگاهبانی گردد. بعد دعا می نمائی :

" ای الله ، مرا از اعتقاد درست جدا مکن، حرص دنیا را به قلبم وارد مکن. "

آنچه اهمیّت دارد این پرهیزکاری است.هرقدر پرهیزنمائی به همان نسبت دعایت قبول می گردد.وقبول شدن دعایت را تنها پس ازپاک شدن درونت می توانی بفهمی.اسیر نسیم دیگری می گردی:

" ما به او از شاهرگش نزدیکتریم " (ق/۱۶). او ازجهت این نسیم است که وزش آن را حس میکند.قلبش به حرکت درمی آید.شاخه های درخت قلبش به حرکت درمی آیند.نغمه های شیرین سر می دهند.بعد از آن برگها می ریزند.پائیز می آید.با بهاردرهم می آمیزد.تابستان وپائیز با هم آمیخته میشوند.

سرگرم این باغچه نشده و از راهت باز نمانی.

" بگو آن کتاب را الله نازل فرمود. وایشان را –به حال خود-رها کن." (انعام/۹۱)

زمانی که بادهای سخت وزیدن گرفت ،هرآنچه گذراست می ریزد.آنچه باقی است می ماند.

امرِ " به غیراز الله ،هیچ الهی را عبادت نکن " (قصص/۸۸) به جا آورده میشود.آنجا مداوماً بهارنیست ،همیشه هم پائیزنیست.هرلحظه تجلّی های گوناگون وجود دارد.قابلیّت برخی به بهارمیرسد،برخی به پائیز.هرشخصی قادربه درک این حال نیست .این حال تنها دراین جمله پنهان است : " کسانی که ازطرف ما درحقّشان احسان تقدیرشده است ." (انبیاء/۱۰۱).این جمله برای کسانی که آن را بیابند یک بشارت است.

مبادا قابلیّت خودرا دست کم بگیری، این گونه کارها غیرضروری است.قابلیّت خودرا این چنین اندازه بگیر: اگردرراه حقّ مداوم هستی به این معنی است که قابلیّت(استعداد) داری.کسانی که استعداد ندارند نمی توانند این رابسنجند.منتظر بمان ویاد بگیر.اگررحمت الهی شامل حالت شد فرارنکن.اگرخیس شوی ویا تبدیل به مرداب شوی بازهم نگریز.

" الله ،آن راکه اراده نماید برای خویش برمی گزیند." (شوری/۱۳)

زمانیکه برمی گزیند تابع امتحان می گرداند.انتظاربرای امتحان است.اگرقبل ازامتحان موفّق درآید،اورا ابری دربرمی گیرد وبه آن طرف ها پرتاب می کند.اینگونه باید فکرکرد: باران های پرفیض بهاری همه اش برای توست که صورت می گیرد ودرقلبت جریان می یابد.ازاین حیرت مکن.

زیراتوعبارت از قلبت هستی.این قلب آن تکّه گوشتی که درسینه ات است، نمیباشد.قلبی دیگراست.

آن قلب ،قلبی است که تو را انسان،آدم مینماید.آن عرصه بسیاروسیع میباشد.اراضیش بسیارپرباراست. قلب با ابرهای پرفضیلت میوه اش را می دهد.یک علم میبخشد، علم لَدُنّی، آنچه ازخضر(ع) گرفته میشود : " آنکسی که ازنزدخودمان به اوعلمی آموخته ایم. " (کهف/۶۵).

دیگر او حالِ واقعی را یافته است.درختان رسیدند،شاخ وبرگشان روئیده، میوه دادند.تو خسیس نیستی . " بی تردید رحمت الله نزدیک است به نیکوکاران ." (اعراف/۵۶).تو درصف نیکوکارانی،ازعالَمِ سِرّ هستی.اینجا وادی های بی آغاز و بی پایان دارد.رودها دارد.نهرهای وصلت به آنجا می ریزند.ازآنجا هرزمانی نمی توانی بنوشی.

" آن چنان چشمه ای است که مقرّبانِ الله ازآن می نوشند. " (مطفّفین/۲۸)

ازآن چشمه تنها مقرّبان یعنی کسانی که به الله نزدیک هستند می نوشند.درآن صورت توهم ازآنان شو.

برای تجربه نمودن این احوال ،اشک چشم لازم است.دعا نمودن لازم است.التماس نمودن باید.التماس نمودن برای بخشایش گناهانت باید.تمامی اینها ازسوی الله بی توقّع پاداش، داده میشود.برای اینکه لایق گردی بایداشک چشم ریخت.مطلقاً به اعمالت اعتمادنکن(فریب اعمالت را نخور)

" این فضل الله است،آن را به هرکه خواهد می دهد." (مائده/۵۴)

حرفهائی نظیراین که : این حقّ من است...انسان را به پوچی میکشاند.بلافاصله ازاین عالم رانده میشود.الله محافظت فرماید.برای کسانی که به این مرتبه رسیده اند بشارتها هست، مژده الله :

" نترسید و محزون نگردید.با بهشتی که به شما وعده داده شده مسرور باشید." (فصّلت/۳۰)

گذشته، گذشته است.حالا آنچه خواهد شد بهتر خواهدبود. برائتِ:

" الله ازایشان راضی شد، آنها هم از الله راضی شدند. " (مائده/۱۱۹) ،را گرفتند و :

" با گوارائی بخورید و بنوشید.این است پاداش عمل شما ." (طور/۱۹)

تمامی این پاداشها در این دنیا بدست می آید. دعا کنیم الله تعالی نصیبمان گرداند. آمین...

نامه سوّم

ای عزیز،

روزی که درانتظارش هستیم نزدیک است .اگر میخواهی که عزّت وشرفت رامحافظت کنی فکرکن وبا تدبیرباش .حاضرومهیّا باش.باکسانی که درآن عالم بتوانی ازایشان سودببری ،مباهات مکن.

" آن روز انسان می گریزد، ازبرادرش،ازمادرش، ازپدرش، ازهمسرش، ازفرزندانش ." (عبس/۳۶)

. حکم این آیه درآن روز صادق خواهدبود.هرکس مبتلا وگرفتار دردِ خود خواهدبود.

سخنان تمسخرآمیزی مانند (تومارا دردنیا حفظ نمودی،دراینجا هم یاری کن) درآنجا خریدار ندارد.برخی پنهان میشوند،برخی با دستان صورتشان را میپوشانند،برخی هم فرار میکنند.امّا جائی برای پنهان شدن وجود ندارد.با فرارازآنجا نمیتوان نجات یافت.حساب هست.باکوچکترین جزئیاتش حساب هست.هرچیزِآشکاروپنهانی پرسیده خواهدشد.چه روز دهشت آوری است آن روز.

" چه با پنهان کردن،چه آشکارنمودن آنچه در درونتان است، الله با آن ازشما حساب خواهدکشید." (بقره/۲۸۴)

به معنای این آیه خوب فکرکن،بیندیش.تنها کسی که ازاین امتحان ،از این حساب بخوبی بگذرد است که نجات خواهد یافت.آنانکه مانند انسان زندگی نموده اند نجات خواهندیافت.کسانی که با چیزهای – بیهوده وقت نگذرانند نجات خواهندیافت. " آنان شبیه حیوانات چهارپا هستند." (اعراف/۱۷۹)

مبادا مخاطب این آیه گردی.مبادا وارد این زمره شوی.خودت را حفظ کن .ذاتت رابا احساسات پَست، ناپاک نکن.انسانیّت خودرا از دست مده.الله تعالی نزدیکترینِ توست.این را بدان .تنها چشمت بدنبال او باشد.حس کن که درحضور اوهستی. " مرا یادکنید، من هم شما را یادکنم ." (بقره/۱۵۲)

این چه شرف بزرگی است.تنها کسانی که الله را دائماً یاد نمایند به این شرف نائل میگردند.

درموردکسانی میشنوی که این آیه شرح میدهد:

" چه چشمهائی هست که درآن روز برّاق وتازه است ." (قیامت/۲۲)

آنکه قلبش را پاک نماید او را دراین عالم میبیند.پاک کردن قلب هم تنها با درک نمودن او حاصل میگردد.قدروقیمت درک نمودن را دریاب.او در یک حدیث قدسی می فرماید :

" مرا نه آسمانم ونه زمینم توانست که دربرگرفت، امّا درقلب مؤمن جای توانم گرفت . "

بدنبال این باش که صاحب چنین قلبی گردی.اگرصاحب چنین قلبی گردی هیچ نعمتی نیست که نتوانی بدان نائل گردی.البته که این هم مجّانی بدست نمی آید.تلاش باید،غیرت باید.آنچه برتوست بندگی کردن است. اگر هیچ هم نتوانی، بازتلاش کن که آن را انجام دهی،هرکس که مهیّا گردید تمامی خواسته هایش بجا آورده میشود.پس درآن صورت کشت و کارت را کامل انجام بده :

" او به شما هرآنچه خواستید بخشید " (ابراهیم/۳۴)

این بشارت را بگیر.توهم یکی از آنان شو.قلب هم یک گوش دارد.گوش بده، عوالم دیگر را بشنو.تاکه عاشق آنجاها گردی.ازکسی که آن صداها را نمی شنود خیری نخواهدرسید. ناپاکی ها را پاک گردان، درآن زمان صداهای متعالی را خواهی شنید.

" به سوی من دعا کنید.شما را اجابت نمایم. " (مؤمن/۶۰)

با این امر الهی آغاز کن به التماس نمودن.التماس کن تا زنگارِ گناهت پاک گردد.او التماس میکند الله تعالی هم پاسخ میدهد : " الله بندگانش را به خانه سلامت دعوت می نماید. " (یونس/۲۵)

او با این آیه کریمه اش به ذات خویش دعوت می نماید.ازخواب غفلت بیدار می نماید.وجود غفلت بدلیل عشقی است که بدنیا دارند. " حیات تنها یک بازی وتفریح است ." (محمّد/۳۶)

دراین آیه ماهیّت دنیا را درمی یابی.فریب آن را نخور.به آن نچسب.اگرفریب بخوری یعنی غافلی.

الله تعالی تورا برای دنیائی دیگر آفرید.تواز آن عالم دیگر هستی.دنیا گذران است.درنزد انسانهای عاقل دنیا یک هیچ است.در دنیا سختی ومشقّت زیاد است.درآن صورت تو نه دنیا را بلکه آن دیگرها را آرزو کن.گامهایت را برای آن عالم دیگر بینداز.بلندی ها را آرزو کن.موجودیّت گذران را ترک کن.از کسانی شنو که به آن سو رسیده اند.

" آنانکه درایمان پیشرو شده اند، ایشانند پیشروان ." (واقعه/۱۰)

" آنان نزدیکترین هستند به الله ، دربهشتِ پر ازنعمات هستند ." (واقعه/۱۱-۱۲)

همّتت عالی باشد.قیمت تو به اندازه همّت وغیرتت است. با غیرت باش.تنبل نباش.وارد راه شو وخودت را مِهمیز بزن. تنها آن زمان است که لطف الهی دربرابرت آشکار می گردد.درجاتی که درآخرت خواهی گرفت را از اینجاست که میتوانی بگیری.

" الله لطف کننده واحسان کننده به بندگانش است . " (یونس/۶۴)

کسانی که این مژده را دریافت نمایند مفتخر خواهندشد.آنچه بر ماست بجا آوردن اوامر است.این نیّت را درقلب نشاندن و وسعت دادن آن است.همّت کن تا این نیّت را بجا آوری.وارد این کارشو.علاوه برآن به الله التماس کن.قلب دشمنانی دارد.به آنها اعلان جنگ کن.اوامر نفست را رد کن.بزرگترین جنگ تو با نفست است.او دشمن قلب است.در برابرآن همیشه آماده جنگ باش.وگرنه اوست که به توشلیک خواهدکرد.یک دشمن دیگر قلب هم شیطان است.

" زیرا شیطان ،دشمنی آشکار برای انسان است ." (یوسف/۵)

متوجه دشمن بودن شیطان شو.حیله او فراوان است.دشمنی بسیار سرسخت است.امّا این باعث از دست دادن غیرتت نگردد.بدان که الله تعالی پس از فهماندن سختی های یک چیز ، راههای نجات از آن را هم می آموزد.زیرا او رحیم ، عالم و دربرابر بندگانش بسیار مهربان است.اگر در راه اوباشی راههای نجات را نشانت خواهد داد.او ارتش های بسیار وسربازان فراوان دارد.

" تمامی سربازان آسمانها وزمین از آن الله است ." (فتح/۴)

وقتی چنین است پس لزومی به ترسیدن از شیطان نیست.مهمترین وظیفه پناه بردن به الله است.اگر الله تعالی یاری نماید یعنی دیگر چیزی برای ترسیدن وجود ندارد.با یاری الله هم نفس را و هم شیطان را میتوانی به زیر بکشی.نفس همواره بدی را نشان میدهد.

" زیرا نفس با تمام قدرتش امر به بدی می کند. " (یوسف/ ۵۳)

اگر حیله های نفس را بدانی نجات می یابی وگرنه هلاک میگردی.برای خاطرآخرت ،دنیا را ترک کن.زمانهای مشخصی از وقت خودت را برای ذکر ،جدا کن.اگر چنین کنی چشم قلبت باز میشود.اسرار ولطائف قلبت با جزئیاتش وشماره هایش به میدان خواهد آمد. جزء پرهیزکاران شو.

" از الله بترسید.الله به شما می آموزد.الله همه چیز را می داند. " (بقره/۲۸۲)

این یک بشارت است.می فهماند که اگر از پرهیزکاران شوی به چه چیزهائی خواهی رسید.وطن اصلیت را فراموش نکن. روح در آنجاها میگردد و آنجاها را دوست دارد.روح، عالم هستی را می فهمد. دیگراز عبادت لذت میبرد.

" و از راهی برو که ربّت مخصوص تو گردانیده ." (نحل/۶۹)

در این یک سرّ پنهان وجود دارد.این سرّ چنین است: به تو دو بال داده میشود.یکی از بالها عشق است.دیگری هم بال شوق است.به آن شکل پرواز می کنی.ازجاهائی که روحت پرواز میکند میوه های تقرّب می آید.پس از اینکه ازآن میوه ها چشیدی، نیستیِ عالم را درمی یابی.

" سپس از همه میوه ها بخور ." (نحل/۶۹) .این امر را گرفته و به آزادیت میرسی.

دیگر نه ترسی هست و نه غصّه ای.زمانیکه درنفست اثری ازتاریکی نمانده ،دیگر غیرازتو کسی این حال تو را درنمی یابد.حالت آشکار است اما کسی درنمی یابد.

" شب را به روز و روز را به شب داخل میگردانی ." (آل عمران/۲۷) میگوئی و در آئینه سِرّ تجلّیهای مختلف برق میزند.در حیرت می مانی : درباغچه قلبت فیوضات رحمت، برکات و بارانهایش می بارد.لایق تجلّی رحمت میگردد.

این آیه کریمه تجلّی می نماید که : " ازآسمان آبِ با برکت رانازل نمودیم .با آن باغچه ها و دانه هائی که درو خواهندشد، رویانیدیم ." (ق/۹) باغچه قلب نائل به چنین رحمتی می گردد.باغچه قلبت تبدیل به باغهای ارم میگردد.باغهای ارم درمقابلش هیچ می ماند.

" با باران به شهری مُرده زندگی بخشیدیم. " (ق/۱۱) این جمله چیزهای بسیاری را افاده می نماید.

" ازمقابل تو پرده را برداشتیم ، امروز چشمت چقدرتیزبین است. " (ق/۲۲) با این جمله تاریکی های قلبت زدوده میشود.هرطرفت نورمیگردد.دیگرهمه چیزبرایت روشن وآشکار میگردد.غفلت نمی ماند.جهالت هم نمی ماند.همه اینها در گذشته می ماند.دیگر تو ازجمله واصل شدگان گردیده ای.از آن عالم هستی.با نورها نورانی شده ای.ازدریائی که قابل مشاهده است درآمده به دریائی که ازهرچیز عاری شده غوص می کنی.

" الله مستغنی از عبادتِ عوالم است. " (آل عمران/۹۷)

توبنده الله هستی ،تورا ازهرچیزی جداکرده به استغنا می رساند.درآن زمان تنها نیاز به ذات الله را حس خواهی کرد. وناگهان نگاه میکنی ومی بینی که واصل شده ای. کامل شده ای.درآن زمان این آیه تجلّی می کند : " آیا آنان از مکرالله ایمن گردیدند؟ " (اعراف/۹۹) .

زمانیکه تشنه شوی حالِ هیبت می آید.اگر به یأس بیفتی امیدهایت شکسته میگردد.درآن زمان این خطاب می آید : " از رحمتِ الله امیدتان را نبرید ." (یوسف/۸۷)

یک امرتورا شاد میگرداند.درونت پرازشوق میگردد.داخل زیبائیها و برتریها میگردی.بلبل آن باغچه شده آواز میخوانی.ازشاخه گلی به شاخه دیگر می پری. وعطری الهی به تو خواهد رسید.بدنبال منشأ عطر خواهی گشت.مانند یعقوب پیامبر : " اگر به من نگوئید خیلی پیر شده، باورکنید بوی یوسف را میشنوم. " (یوسف /۹۴) .شروع به نغمه سرائی می کنی.دیگر پنهان ماندن در دستت نیست.درسخنانت صاحب حقّ خواهی شد.از آن سوها مانند مژده ای به تو می رسد.اطرافیانت می گویند : " به الله قسم ، تو در همان حال سرگردانی و حیرت پیشینت هستی . " (یوسف/۹۵).

زیرا این حرفها را زیادگفتی .آنها هم شنیدند و به تو ایراد گرفتند.دیگر هیچ غصّه مخور.اساساً هم غصّه نمیخوری.آنچه که میخواستی را یافته ای.اگر آنها هم نصیبی داشته باشند، روزی خواهدآمد که آنان هم بفهمند.

" امّا زمانی که بشارت دهندگان آمده ،پیراهن رابرچشم یعقوب گذاشتند،چشمانش به حال بینائی بازگشت. " (یوسف/۹۶) .دراین جمله حکایتها پنهان است.اگر این را دریابند به تو التماس خواهند کرد.

" قسم به الله میخوریم که الله تورا برتر از ما قرار داده و ما گناهکاربودیم ." (یوسف/۹۱)

اهمیّتی به سخنان ایشان نده.درنهایت دربرابرت سرخم خواهندکرد.کافیست که تو به آن وجود الهی برسی. " قسم به الله میخوریم که الله تورا برتر ازما قرار داد . " (یوسف/۹۱)

ازدریای رحمت الهی گنج ها خواهی یافت.باتوصیف ها ،حتّی غوصِ درآن دریا را نمی توان بیان کرد. علوم زیادی به تو تسلیم میگردد.ازجمله علم تعبیرخواب.خودت را می شناسی.آشنا به تمام علوم میگردی.به مقام بقا واصل میگردی.شروع به این دعا می نمائی :

" ای پروردگارمن ، تو به من مُلک بخشیدی به من تعبیرخواب آموختی.خالق آسمانها وزمین توهستی.دردنیا هم ودرآخرت هم ولیِّ من توهستی.مرا مسلمان بمیران ومرا از جمله صالحان قرار ده." (یوسف/۱۰۱)

مولای تعالی این حال رانصیب گرداند.دراین راه نه حرف بلکه حال اهمیّت دارد.دراین راه چه کسانی که هلاک شدند.الله همه ما را محافظت فرماید. آمین .

نامه چهارم

ای عزیز،

این دنیا فریبنده است .خیالی فریبنده است.کسی که فریب این را خورده ازسعادت دور میگردد.الله تعالی فرمود : " نکند که به ترجیح دادن حیات دنیوی نسبت به آخرت، راضی شده اید؟ " (توبه/۳۸)

گوش قلبت را بازکن واین رابشنو ، آیا تهدیدها هیچ تورا نمی ترساند؟

" آنکه دراین دنیا کوراست ،درآخرت نیز کوراست ." (اسری/۷۲)

چشم قلبت کورنباشد.آن رابازکن.آیات برای تو راه باشند.

" زمان حساب انسانها نزدیک شد.درحالیکه آنان هنوز درغفلت هستند ." (انبیاء/۱)

آیا این آیه هنوزتورا نمی ترساند؟چرا هنوز این معنا را درنمی یابی؟

اینجا جای کشت ،آخرت جای برداشت است.اوّل کاشتن سپس درو کردن و برداشت.وگرنه درآن دنیا درحالیکه درانتظارصواب هستی ازکسانی نشو که دست خالی می مانند. این آیه برای توکافیست :

" صواب کسی راکه برداشت آخرت را می خواهد را افزون می نمائیم .برای آنکسی که نفع دنیا می خواهد هم از آن می دهیم وبرای او درآخرت نصیبی نیست. " (نازعات /۳۷-۳۸-۳۹)

می پرسم که آیا میخواهی از زمره چنین کسانی باشی؟ می گوئی که نمی خواهم –بسیار خوب پس چرا هنوز غافل هستی ؟آیا از این حالت نمی ترسی؟ در دریای غفلت شناوری ، این شناوری سودی برایت نخواهد داشت. " به الله توبه کنید تا رستگاری بیابید ." (نور/۳۱)

به این امراطاعت کن.بعداً هم " به اوعبادت نموده، شکرکنید ." (عنکبوت/۱۷)

به این امر اندیشیده تلاش کنید معنای آن را دریابید و این دعا را نمائید :

" من چهره ام را به سوی خالق آسمانها وزمین گرداندم درحالیکه به حقّ نزدیک وازباطل دوراست

و من از مشرکان نیستم . " (انعام/۷۹)

بلکه با این دعا و التجاء وبا این روی گردانی-بسوی حقّ- درها برویت بازشود.ازعالم سرّ خبردارگردی.

" اوتوبه را ازبندگانش می پذیرد.بدی ها را عفو میکند وآنچه انجام داده اید را می داند. " (شوری/۲۵)

سرّ دراین آیه پنهان است.و مرکز آن هم این آیه کریمه است :

" محقّقاً الله بسیاربخشنده –غفور-است، بسیارمهربان-رحیم- است. " (مزمّل/۲۰)

توبه کن ، به سوی او رو، روی خود به سوی او بگردان.دعا کن، التماس کن.دَرِ عالمِ سِرّ برویت گشوده گردد.باعباداتی که انجام میدهی کمک دریافت خواهی نمود. به عشق می رسی.

" الله توبه کنندگان و پاک شوندگان را دوست دارد. " (بقره/۲۲۲)

پس از این مژده " توهرکه را بخواهی عزیز وهرکه رابخواهی ذلیل می گردانی ." (آل عمران/۲۶)

این معنا را بفهم.هرقدر که آن رابفهمی به همان نسبت کمی بیشتر به او نزدیک میگردی.تو میفهمی ازکسانی هستی که عزیز گردانده شده اند.شکر بجای می آوری و به او التماس می کنی.نترس به راه

بیفت .آینده ازآن توست.

" به کسانی که بگویند ربّ ما الله است و بعد هم به درستی و راستی بچسبند، فرشته ها نازل شده میگویند : نترسید و غمگین نباشید. " (فصّلت/۳۰)

این آیه به تو می فهماند که دیگر ازبندگان برگزیده شده ای، ولیِّ الله شده ای. ارزش حالت را دریاب .برتو مبارک باد. آمین .

نامه پنجم

ای عزیز ،

خورشید معرفت طلوع خواهد کرد،صبرکن وببین.آن خورشید ازآسمان اسرار طلوع میکند.با آن خورشید درباغچه های قلب ،نورخواهد زائید.

" جایگاه محشربانور ربّت درخشان میگردد. " (زمر/۶۹)

این آیه همه چیزرا شرح میدهد.البته دل رهروی که به روشنائی واصل شده بانور پُرخواهدشد.پس ازآن دیگرعوالم پنهان را سیر می نماید.پرده های نادانی ازبرابر چشمان بصیرتش کنار میرود.

"اکنون پرده مقابل تورا برداشتیم ." (ق/۲۲)

به چشم قلب سرمه ها کشیده خواهدشد.به درجه اعلی خواهدرسید.با آن چه نورهای الهی که خواهددید.سپس چیزهای دیگرهم خواهددید.به حیرت درخواهدافتاد.چنان نورهائی میبیند که به سختی می تواند چشمانش رابازکند.افکاروخاطرات متفاوت دربرابرچشمش زنده می گردند.اسرارِ عالم ملکوت را می گشاید.تحت تأثیرافکاری متفاوت قرار می گیرد.به وادی عشق غور می کند،هیجانِ عشق را طلب می کند.خودرا درآنجا گم می کند.این حال نیروهائی دیگررابه حرکت وا می دارد.خودش هم به حیرت درمی افتد.ومی گوید چگونه شد این طورشد؟می گوید چه بودم و چه شدم.حالِ شوق اورا دربرمی گیرد.یک آن متوجّه هیچ چیزنمی گردد.درونش را ترسی فرامی گیرد.زمانیکه زیبائی هائی سرگیجه آور را دید، می ترسدوبه خود می گوید نکند این ها را ازدستم بگیرند.همواره درحال شکرنمی ماند،ازخودبیخودشده ،گاهی هم بیدار میشود.وآن زمان می اندیشد که نباید از مکرالله ایمن بود،به یأس وحیرت درمی افتد.در درونش تنهائی را حس می کند.الله که اورا به آن مقام درآورده، البته که اورادرسختی نخواهد انداخت،غصّه نخواهد داد.تنهائی را اصلاً نخواهد داد.

" الله بر روی انسانها صاحب لطف وکرم می باشد . " (مومن/۶۱)

" هرکجا که می خواهید باشید، او به همراه شماست "

همراهی مولای تعالی، چه چیزی غیر این ارزشی داردکه؟هیچ چیز حتّی به اندازه ذرّه ای درهواو دانه ماسه ای درصحرا ،خوب دراین همراهی ارزش بنده به چیست؟ البتّه که هیچ.دربرابر قدرت الله ارزش بنده چه تواند باشد که؟تاموجودیّت دربنده ازمیان نرود هیچ چیزی نخواهد شد.

" درکنارِالله، الهی دیگر ازخود نسازید ." (ذاریات/۵۱)

کسی که این امر را بشنود واصل می گردد و موجودیّت خود راهم ذوب خواهدکرد، امّا کیست که این را بفهمد؟ فهمیدن این اهمیّت بسیار دارد.

" دردست تو هیچ چیز نیست " (آل عمران/۱۲۸)

به این معنا بیندیش وتلاش کن آن را بفهمی.مبادا تصوّرکنی که توبا غیرت خودت خواهی توانست آن رابیابی.آنجا یک دریای توحید است.هیچ کس با غیرتِ خودش نمی تواند ازآنجا چیزی بگیرد.وگرنه امواج غیرت بر تو فرو می آیند وتورا به دریای عظمت می اندازد.اگر تلاش کند ازآنجا نجات یابد به گرداب دهشت خواهد افتاد.والتماس کردن ها شروع میشود.

" ای ربّ من ، من به نفسم ظلم کردم، مرا عفوکن. " (قصص/۶۱)

پس از این است که کمک ها به بنده می رسد.با این آیه نجات می یابد :

" آنان رادرخشکی و دریا سواربر وسائط نمودیم ." (اسری/۷۰)

پس ازآن، این آیه می آیدکه :

" مارحمت خودرانصیب هرآنکه بخواهیم می نمائیم" (یوسف/۵۶)

پس از این، بنده دیگرتسلیم به الله شده است .

" دقّت کن که الله اوست که همه چیزرا ازهرسو احاطه کننده است ." (فصّلت/۵۴)

براساس این آیه، بنده نصیب می یابد، عالم سِرگشوده می گردد.کلیدهایش داده میشود.هدف روشن می گردد.

" ودرنزد الله زیباترین وبهترین جایگاه برای بازگشت ورسیدن وجود دارد " (آل عمران/۱۴)

این آیه کریمه به همان اشاره می نماید.این اشاره ای قابل فهم است،

برای آنکه در درک معانی ماهرباشد آسان است.

" به همه ابلاغ کن که الله به بنده اش وحی خواهد نمود." (نجم/۱۰) این معنا را به تو می آموزد.

" قسم باد که او برخی ازبزرگترین نشانه های ربّت را مشاهده نمود " (نجم/۱۸)

ونشانه هائی راکه درذات این آیه موجود است را می بیند.

مولای متعال فهمیدن را نصیب فرماید. آمین ....

نامه ششم

ای عزیز،

دریک آیه کریمه می فرماید: "الله هرآنکه راکه بخواهدبرای خودبرمی گزیند."(شوری/۱۳)

این جذبه الهی است، یعنی کشیدن به سوی خودش است.این بزرگترین کمکی است که ازسوی الله می آید.حاضرباش.یک روز تورا هم می تواند به سوی خود بکشد.خودت را کامل کن.اگرآماده ومهیّا نباشی سالها خواهدگذشت.دیگرچنین فرصتی را نمی توانی بدست بیاوری.بلافاصله درانتظار یک یاری فوری باش. کمک ازآن کسی است که حقّ بدست آورده باشد.اگرنتوانی به قلبت حاکم باشی حقّ دریافت کمک رانخواهی یافت.زمانی که جذبه آید تو را به سوی خودش می کشاند،به اونزدیک میگردی.سرسختی نفست به پایان میرسد.سلطنت آن نابود میگردد.قلب به این گردن خم می کند.

" برای الله همانطور که حقّش هست جهادکنید ." (حج/۷۸)

این امربه تو راه بنمایاند.نفس لگام گسیخته ات را به نظام دربیاور.خواسته های پوچ را به زندانِ تقوی بیفکن.درِآن رابه زنجیربکش، ازاحساسِ درامان بودن ،خودرا برهان.این احساس انسان را متفرعن میسازد.داروی آن هم موجود است :

" ای ایمان آورندگان ،به الله وپیامبرِ او اطاعت نمائید. " (نساء/۵۹)

به این صورت احساساتِ بد ازمیان میروند. جای آن را ادب می گیرد.تنها به زندان افکندن به کاری نمی آید.به آن آداب را هم باید آموخت.یکی که ازدست رفت جای آن بهتری می آید.

" آنکه کاربد انجام دهد باهمان مجازات می گردد ."   (نساء/۱۲۳)

این جمله را درگوش اراده ات بخوان:

اگرجذبه انسان رادربرگیرد تمامی عادات ازمیان می رود.احوال گیج کننده از بین می رود.زیرا به مملکت پادشاه آمده.قدیمی ها رفته، جدید ها آمده.کدام پادشاه قدیمی ها را ازمیان برنمی داردکه؟

اگرعادات پست کننده باشد آنها را ازمیان برمی دارد.تازه هایش را می آورد.

"زمانیکه حکمداران وارد یک کشورگردند،آن راپریشان می نمایندوشریف ترین مردم آنجا راخواروحقیر می نمایند ."   (نمل/۳۴)

همه چیزبرای صاف شدن است.مثلاً برای بدست آوردن صافی قلب.تنها راهِ این اسلام است.هرکس که برای قلبش راهی به جز اسلام جستجو نماید، به اشتباه افتاده است.

" دینِ هرکسی که بجز اسلام تابع دینی شود، پذیرفته نخواهدشد . " (آل عمران/۸۵)

قلب ازتمامی مریضی ها پاک خواهدشد.درعالم ارواح معطّرخواهدشد.همین که واردآنجا شد کارش بپایان رسیده است.

" الله بر قلب ایشان ،ایمان را نوشته است ."   (مجادله/۲۲)

این یک خطاب الهی است.انسان راباعطرهای پاک معطّر میسازد وقلب قندیل های نور را روشن می نماید.   " الله نورخود را کامل خواهد گرداند ." (صف/۸) براساس این آیه کریمه قندیل های قلب ،نور الله را روشن می سازند.روشنائی کجا را نشان خواهد داد؟ عالَمِ مشاهده را :

" زمین تبدیل به زمین دیگری خواهدشد . " (ابراهیم/۴۸)

دیگر کوههای شوق نمی ماند. " ذرّه ای پخش شده وپراکنده " (فرقان/۲۳)

درظاهر هیچ چیز بنظر نمیرسد.همه چیز بدنبال هیچی است.درآن صورت این کوهها و تپّه ها چیست؟

این پاسخ می آید : " تو کوهها را می بینی ، تصوّرمی کنی که آنها ثابت هستند، درحالیکه آنها مانند حرکت ابرها ، حرکت می کنند. "   (نمل/۸۸)

هرچیزِگذرا نابود خواهد شد، اگرامروز هم نباشد، فردا اسرافیلِ عشق به صور می دمد.

" و آنگاه که به صور دمیده شود..."   (ق/۹۹)

ازآن صور هیچ صدائی شنیده نمی شود.

" زمانیکه به صور دمیده گردد، به استثنای آنانی که الله اراده نماید، درآسمانها وزمین هرچه هست افتاده و مرده است ."   (زمر/۶۸)

ازاین به بعد آنانی که به حیات کامل واصل شده باشند نجات خواهند یافت

" آن بزرگترین ترس اینان را محزون نمی گرداند" (انبیاء/۱۰۳)

دیگرترسی برای آنها نیست.الله تعالی آنان را بلند می گرداند.

" این یک فیض بزرگ و نجاتی بزرگ است " (حدید/۱۲)

مژده را دریافت می نمایند ، درهای نعمت باز می گردد.

" سلام الله برشما باد.تروتمیزآمدید.دیگر برای اقامت ابدی وارد اینجا گردید " (زمر/۷۳)

پس ازاین نعمت ، این دعا را انجام می دهند.

" حمدوسپاس الله راباد که وعده ای راکه به ما داد بجا آورد وبه ما جائی ازبهشت که برای نشستن خواسته بودیم را احسان فرمود.پاداش عمل کنندگان به اعمال نیکو چه زیباست ." (زمر/۷۴)

نامه هفتم

ای عزیز،

ازاین عالم گذرا صرفنظرکن.به این امرالهی گوش فراده :

" وعده الله حقّ است.حیات دنیا وفریب شیطان شما را فریب ندهد. " (لقمان/۳۳)

شیطان می آیدو با وسوسه اش واغوایش فریب می دهد.مبادا گول حرفهای اورابخوری.آیا توبه نصیب خواهد شدیانه؟ معلوم نیست.فکرکن چگونه به حضور خواهی رسید :

" چنان که، زیبائیِ نعمت را ازچهره هایشان می توانی شناخت " (مطفّفین/۲۴)

این آیه آنان را تشریح می نماید . این نعمت همان وصلت است : به ایشان که بنگری درونت پرازنورمی شود.قلب حالهای معنوی می یابد .

" برای او راحتی ، زندگی زیبا و نعمت فراوان دربهشت وجود دارد ." (واقعه/۸۹)

آن نعمات به سوی تو می آیند. " به ایشان ازشرابی مُهرشده وخالص نوشانده می شود ." (مطفّفین/۲۵)

توهم ازآن شراب می نوشی، دیده ات باز می شود.

" محقّقاً آن بعنوان حقّ ازسوی ربّت به سوی توآمده است ." (یونس/۹۴)

این روپوش معنا برای تو گشوده می گردد.وارد عالم دیگری می گردی.ازکارهای بیهوده روگردان می شوی. " به غیراز الله ،یعنی چیزهائی که ضرر یا نفعی برایت ندارند را پرستش نکن "(یونس/۱۰۶) یعنی غیراز الله به هیچکس امید نداشته باش .توقّع چیزی نداشته باش.همانطورکه چشم قلبت بازشد ،گوش قلبت نیز گشوده می شود .حکایات تقرّب می شنوی .

" زیباترین قصّه هائی راکه به تو وحی نموده ایم را بیان خواهیم نمود. " (یوسف/۳)

به تو قصّه ها، حکایت ها گفته میشود ، پس ازآن، آنکه شاهد است که؟ و آن که مشهود است که؟ همه احوالت تغییر می کند. به میانه عشق در می افتی.با خطاب الهی به وجد می آئی.

" آن بندگان که سخن را گوش داده ، بهترین آن را تابع می گردند " (زمر/۱۸)

این خطاب تورا بیحال می کند.جان تاب نمی آورد.افراط هم نباید نمود.گاهی به سرور می آیی و گاهی محزون می گردی.

" باکسانی که به همراه تو توبه نموده اند هماگونه که به تو امر گردیده ، راست و درست باش "(هود/۱۱۲)

دیگردرکاروان الهی هستی.تقریباً ازجمله اولیاء شده ای .و ناگاه مینگری که امر رسیده :

" همه تان به ریسمان الهی بچسبید " (آل عمران/۱۰۳)

به این ریسمان می چسبی .بدون اینکه موجودیّتی ازخودت ببینی.

" کمک تنها از نزد الله است " (انفال/۱۰)

به این کمک توان می آوری.ترسیده و می لرزی.

" الله نسبت به شما صاحب شفقت و رحمت می باشد " (حدید/۹)

با این فرمانِ الهی راحت می شوی.

" هرکس آرزوی وصال به ربّش را نماید، عمل نیک انجام دهد.درعبادت به ربّش هیچ چیز را شریک او قرار ندهد ." (کهف/۱۱۰)   وارد باغچه این آیه شده ، به تو اخلاص داده می شود.

" برای هرکس نسبت به اعمالش درجاتی هست " (انعام/۱۳۲)

ازجویبار معنوی می نوشی.این آیه سایه بانِ تو میشود.

" نمازم ، عباداتم،زندگی و مرگم ازآن پروردگارعالمیان است " (انعام/۱۶۲)

برای تو یک سفره ازنعمت الهی گسترده میشود.ازآن می خوری.

" کیست که به اندازه الله به عهد خود وفادارباشد؟ از این دادوستدی که انجام دادید شادباشید."(توبه/۱۱۱)

دیگردروازه وصلت گشوده شد.واصل به مولی گردیدی .پوشیده درنعمات شدی.برای فهمیدن حکمت این آیه را گوش کن :

" ای بندگان من امروز ترسی برشما نیست ، شما غمگین هم نخواهید شد. " (زخرف/۶۸)

مولی تعالی ما را وارد این دسته از بندگان خود نماید. آمین

نامه هشتم

ای عزیز،

تو در یک راه هستی، از راهت نمان .تازمانیکه تقرّبت به حدّی رسدکه خطاب سلطنت را توانی شنید.

درآن خطاب چنین فرموده بود : " آیا من پروردگارشما نیستم؟ " (اعراف/۱۷۲) بخاطرآور.

درپاسخش گفتند : " بله ای پروردگارمان، شهادت می دهیم " (اعراف/۱۷۲)

درست درهمان اثنا این سخن راشنیده ونگران میشوی " وای برحسرت ونگرانی که برای یوسف کشیدم " (یوسف/۸۴) درونت را حزنی فرا میگیرد.مثل بغضِ باغ در پائیز.مانند سرایش بلبلان با شکسته دلی.

" ازغصّه برچشمانش سفیدی افتاد.اوحزنش رافروخورده ، نشان نمی داد. " (یوسف/۸۴)

حالش را دربیرون خودنشان نمی داد، سپس صداهای جدائی شنیده می شود.واین آهنگ نواخته و این نوا شنیده میشود : " من غصّه وحزنم را تنها به الله شکایت می کنم ." (یوسف/۸۶)

" برای من جز صبر جمیل چاره دیگری وجود ندارد " (یوسف/۱۸)

سِرها آشکارمی گردد.جذبه های شوق به میانه می افتد.صاعقه های عشق درخشیدن می گیرد.

" چیزی نمانده که صاعقه نورچشمانشان را خاموش سازد " (بقره/۲۰)

درچشمان عقلشان، نوربینائی کاهش می یابد.درپی آن قطراتِ رحمت نازل می گردد.دشتها سبزمیشوند. این آیه کریمه به میدان می آید :

" پاداش آن را که برداشت محصولِ آخرت رابخواهد می افزائیم " (شوری/۲۰)

" الله به شما وعده بسیاری ازنعمات را هم داد که دریافت خواهید نمود " (فتح/۲۰)

درآن زمان است که برداشت محصول به پایان می رسد.نغمه های وصلت به گوش میرسد.بلبل نغمه سرائی می کند.صاعقه جذبه درخشیدن می گیرد.قطرات رحمت شروع به بارش می نماید.

" برای آن کس که به الله اعتماد نماید، الله کافیست " (طلاق/۳)

درباغچه قلبش عطرهای امید پخش میشود.

" پاداش صبرکنندگان بی حساب داده خواهد شد " (زمر/۱۰)

فرمان الهی است که اجرا خواهدشد.درختِ صبر سرسبزمی گردد.شاخ ، برگ می گیرد، میوه می دهد.

" این احسان ما به توست.دیگر به هرآنکه خواهی بی حساب ببخش یا نزد خود نگاه دار. " (ص/۳۹)

"پروردگارصاحب رحمتت، بسیار بخشنده است ." (ق/۵۸)

درحالیکه این آیات می آید ناگاه این فرمان شنیده می شود :

" این احسانی است که رزق ماست و پایان ناپذیراست " (ص/۵۴)

مولای تعالی به ما ازخزانه بی پایانش عنایت فرماید . آمین .....

نامه نهم

ای عزیز،

ازآنانکه به سوی شهوت خوانده میشوند ،روی برگردان. درپی کارهای بیهوده نَدو.

" تابع هوای نفس نشو، این تورا از راه الله گمراه خواهد کرد. " (ص/۲۶)

مبادا با کسانی که قلبشان سخت شده(قسی القلب ها) صحبت کنی.زیرا این آیه درحقّ آنها چنین فرمود :

" وای براحوال آنانکه قلبهایشان برای ذکر نمودن الله سخت گردیده است . " (زمر/۲۲)

" پیش ازآنکه روزی بیاید که نیامدنِ آن ممکن نیست، دعوت پروردگارتان را قبول کنید ." (شوری/۴۷)
این آیه برای تو یک نداست. ندای آن را با گوش قلبت بشنو .

" آیا زمان آن فرانرسیده که قلبهای ایمان آورندگان با ذکر الله با آنچه ازحقّ نازل گردیده نرم وخاشع گردد " (حدید/۱۶)

این آیه کریمه یک هشداراست :

" آیا انسان تصوّرمی کندکه او بی حساب وکتاب رها کرده خواهدشد؟ " (قیامت/۳۶)

"زندگی دنیا و اغوای شیطان شما را گول نزند " (لقمان/۳۳)

به این آیه نگاه کن و ازخواب غفلت بیدارشو.

تنهازمانیکه که بپرسی یادخواهی گرفت.باسکوت نمودن نادانیت برطرف نخواهدشد.درآن صورت بپرس .آن چیزی راکه برای تولازم است رابپرس.درمورد مراتب بپرس .

" برخی از انسانها هستند که ایشان راتجارت و دادوستد از ذکر نمودن الله ،بازنمی دارد ." (نور/۳۷)

این صفاتی راکه شرح داده می شود را دریاب.

تورهرو راه معنوی هستی. درآن عالم اینجاها را بخاطر نیاور.آنجا کعبه رسیدن به اهدافت است. جهتت رابه آن سو بگردان.آنجا را بیاب و پیش رو. راه رفتن را متوقّف نکن .

" به او با یک توجّه کامل روی کن ." (مدثّر/۸)

به این معنای زیبا فکرکن .از همه چیزبریده شو.

" بگوکه : آن کتاب را الله نازل فرمود.سپس آنها را برای ادامه دادن به بازی گمراهیشان رهاکن."

(انعام/۹۱) این معنای الهی رابشنو.کارهایت را به الله بسپر.

" من کارم را به الله می سپارم " (مومن/۴۴)

به این راه تنها آغازمکن.بعداً در راه می مانی ،گمراه میشوی.هرشخص دروازه ورود مخصوص خود را دارد.امّا لازم است که به همراهِ هم گام برداشت.باید با دوستان با صدّیقان (راستان) بود.

" ای ایمان آورندگان از الله بترسید و با صدّیقان (راستان) همراه شوید " (توبه/۱۱۹)

این امر رافراموش نکن .راهرو باید در راهش باشد.ازدنیا بگذر.زیرا الله تعالی فرمود :

" ما هرآنچه که برزمین است را برای آن زینت قرار دادیم " (کهف/۷)

آنچه که برای زمین زینت است برای تونمی تواندزینت باشد.آن را نمی توانی بدست آوری.حسابش می ماند. در آیه می آید: " بدانید که اموالتان ،اولادتان هرکدام برای شما یک امتحان است " (انفال/۲۸)

مبادا دراین امتحان ناموفّق شوی.ذاتت را به سلامت رهائی بخش.فراوان دعاکن.التماس کن.بدان که عاجزهستی.

" کیست آنکه وقتی به سختی افتاده دعا نماید، دعای اورا قبول فرموده، سختی اش را بزداید.کیست که شما را بر روی زمین حاکم قرار داده ؟ " (نمل/۶۲)

توعاجزهستی ،آنکه حاکم است اوست.آنچه وظیفه توست التماس کردن است.آنکه کمک می فرستد اوست.با این دعا به راهت ادامه بده :

" ما را به راه راست هدایت فرما " (فاتحه/۵)

اگراین وظائفت را بجا آوری ، کمک خواهد آمد.

" بدانید که برای دوستان الله ترسی نیست. آنان غمگین هم نمی شوند " (یونس/۶۲)

معنای الهی را بخوان :

" ازپروردگارِ مهربانشان سلامی به ایشان میرسد ." (یس/۵۸)

این مژده رابگیر.بعداً دست کمک می آید.

درآیه : " ازالله یک کمک و یک پیروزیِ نزدیک می رسد " (صف/۱۳) معنا را بشنو.

مبادا درهمانجا بمانی زیرا راهروی تو ادامه دارد.

" نعمات شان فراوان، دربهشت هستند " (واقعه/۱۲)

ربّت تو را به اینجا فرا میخواند.باید دعوت را اجابت نمائی .

" با نعمت و فراوانی از سوی الله ، بازگشتند" (آل عمران/۱۷۴)

تو هم یکی ازآنان شو.اگرمیخواهی بشوی،آنچه راکه گفته میشود انجام ده. کارِ بنده بندگی نمودن است.

الله که کریم است، بنده اش را رها نخواهدکرد.بنده اش را به مقصد می رساند.اوازداشتن شکل منزّه است.اوبا رایحه عطر یافته میشود.بی وقفه کارکن تلاش کن.قدح های شراب وصلت درمیانه شروع به گردیدن می نماید.

" تمام اینها پاداش اعمال شماست.کارشما پذیرفته شده است ." (انسان/۲۲)

" و الله با خطاب با موسی سخن گفت " (نساء/۱۶۴) آیه کریمه این را شرح می دهد.

" زمانیکه پروردگارش به کوه تجلّی نمود آن را تکّه تکّه کرد" (اعراف/۱۴۳) این معنا با شرح دادن به پایان نمی رسد. " موسی صاعقه خورده ،به زمین افتاده " (اعراف/۱۴۳)

این شکر معنوی (ازخودبیخودشدن معنوی) را می توانی باچشم بصیرت نظاره نمائی .آنجا عالم وصلت است.این حکایت راباچشم بصیرت می توانی ببینی.عجزت را اعتراف خواهی نمود.

" چه چشم هائی هست که به ربّشان می نگرند " (قیامت/۲۲-۲۳)

دراینجا نگاه کننده عاجزاست.امّا آنکه به اونگاه کرده می شود؟ اینجاست که او را می فهماند.

" اورا چشمان ادراک نمی توانند کرد، امّا او چشمان را ادراک می نماید " (انعام/۱۰۳)

مولای تعالی به همه ما عجزمان را بفهماند.ما را ازکسانی قرار دهد که به خودش تسلیم شده اند. آمین

نامه دهم

ای عزیز،

باید کمی در سختی و فشار ماند.آنکه درسختی نماند التماس نمی کند.برای همان سختی ، پیشانی ات را برخاکِ عجزیّت وذلّت برسان.ازچشمانت قطرات حسرت وپشیمانی فرو ریزد.تاکه محصولِ خوب درو شود.باغچه های امید به درخت طلب جوانه برای اصلاح نمی دهد. به فیض آن نمی توانی دست یابی. شاخه های صبر را نمی توانی بیابی.باعطرهای تقرّب نمی توانی مقرّب گردی.میوه هایش را نمی توانی جمع نمائی. آنها میوه نمی دهند.

"بدون تردید برای اودرنزدما شرف،تقرّب ومقام زیبا وجود دارد " (ص/۴۰)

درقلب بلبلها نمی خوانند، پرندگان قلب نمی توانند بالهای پروازبگشایند.

" من بسوی ربّم می روم.او راه را به من نشان خواهد داد " (صافات/۹۹)

ازقفس معنای الهی نمی تواند نجات یابد.

" مگرهرچیزی که تمنّا نماید برای انسان موجود است ؟" (نجم/۲۴)

" مبادا چشم بدوزی به زینت های حیات دنیوی که ما به برخی ازآنها برای دچارنمودنشان به فتنه ،ایشان را منتفع نموده ایم " (طه/۱۳۱)

به عالم معنای بی انتها فکرکن.

" بدون تردید که صاحبان تقوی دربهشت ها و بر کنار رودها هستند.آنان درمجلسِ حقّ درکنار پادشاه صاحبِ قدرتِ بی انتها هستند. " (قمر/۵۴-۵۵)

فرودآمدن درآن مقامی که تعریف شده مشکل است .

" برای ایشان درحضور پروردگارشان هرآنچه اراده کنند موجود است " (شوری/۲۲)

جمع کردن این میوه ها آسان نیست.

" ودرنزد الله بهترین وزیباترین جایگاه ها برای نائل شدن وجود دارد " (آل عمران/۱۴)

لازم است که رایحه این عطر را به قلب رساند.فهمیدن معنای این دوآیه لازم است :

" درنزد پروردگارشان برای ایشان دیار سلامت وجود دارد " (انعام/۱۲۷)

مولای تعالی عجز ما را به ما بفهماند . آمین

نامه یازدهم

ای عزیز،

قلبها مانند قندیل می سوزد.ازآنجا نور درخشش می نماید.مانند خورشید اطراف را روشن می سازد.تو آن نور را بیاب. درقلب نورِتوحید را بیاب .بشارت ها را بیاب.

" قسم به صبح آنگاه که نفس می کشد " (تکویر/۱۸) معنای این آیه روحت را بیدار می کند.

" خورشید درمدارِ خویش سریان می نماید " (یس/۳۸)

تا آن زمان که خورشیدِ عین الیقین بزاید ، تو توشه ات را مهیّا کن.بشارت های توحید را بیاب.

" نورهای ایشان در جلوی ایشان است " (حدید/۱۲)

درمیان روشنی ها ،تنها این نیست که رخ می دهد. چه ها خواهدشد چه ها.

" شب را به روز و روز رابه شب می آمیزد. " (حج/۶۱)

" الله ولیّ ایمان آورندگان است.آنان را از تاریکی بسوی نور می کشاند. " (بقره/۲۵۷)

این خبردهنده کمک ازلی است.با پرده های نازک پوشانده شده.خورشید می زاید، پرده ها کنار می روند. لشکر شیطان و لشکر قلب با یکدیگر برخورد می کنند .

" شیطان حقیقتاً دشمن شماست.شما هم اورا دشمن خود بدانید " (فاطر/۶)

" وشیطان دشمن بسیار آشکارشماست ، آیا نگفتمتان ؟ " (اعراف/۲۲)

این اشارات کاملاً روشن است.

" برای انسانها محبّت به زنها و فرزندان زینت داده شده و مزیّن گردید " (آل عمران/۱۴)

زمره ای که مشخّص گردید ،لشکرشیطان است .

لشکرقلب گاهی به تنگی می افتد.

قلبم فشرده می شود، زبانم بندخواهد آمد " (شوری/۱۳)

دراین افاده احتمال التماس نمودن وجود دارد. (انعام/۵۹)

یک ندا کننده پنهان ندا می نماید :

" ضعف وازپاافتادگی را به خود راه ندهید.به حزن و ناامیدی هم نیفتید.تحت هرشرائطی شما برآنها برتری دارید . " (آل عمران/۱۳۹) تنها یک ندا نمی ماند.

" محقّقاً لشکریان ما پیروز وغالبند " (صافات/۱۷۳)

این آیه به امدادشان میرسد:

" زمانیکه کمک و پیروزی الهی در رسد " (نصر/۱)

هنگامی که پرچم این پیروزی را بردست حمل کردی

" ما به تو یک پیروزی آشکارداديم " پس ازآن کمک وجود دارد.

" بی تردید مابه پیامبران و ایمان آورندگان کمک خواهیم نمود " (مومن/۵۱)

با این معنا شمشیرها ازغلاف ها بیرون می آید.

" هرآنکه راکه اراده کنیم ،درجه درجه مرتبه اش رابلند می گردانیم " (انعام/۸۳)

شمشیر هائی راکه ازنیام برآمده اند را که خواهد توانست که بازدارد؟آنان بر دشمنان هجوم می کنند.

ازدشمنان چه توقّعی می رود؟ به جزشکست خوردن.

" با اجازه الله ایشان را شکست دادند " (بقره/۲۵۱)

بعد ازآن فتح است وپیروزی.

" ازنزدالله یک کمک و یک پیروزی نزدیک " (صف/۱۳)

چه خبرخوبی ، یک بشارت .

" ای الله صاحب ملک، توبه هرآنکه بخواهی ملک را می دهی. ازهرآنکه بخواهی هم می گیری.هرآنکه را بخواهی عزیز و هرآنکه بخواهی را ذلیل می گردانی.نیکی در دست توست.توبرهر چیزی قادری. " (آل عمران/۲۶)

ای الله من ، مارادربرابر دشمنان قلبمان یاری فرما . آمین

نامه دوازدهم

ای عزیز،

اموال و اولادت به عنوانِ امانت به تو داده شده.آنان برای مدّتی مشخص ازآن تو هستند.

" مال و پسران زینت حیاتِ دنیا هستند " (کهف/۴۷)

بااین آیه کریمه مشخص شده است. به وسیله چیزهای گذرا فریب نخور.

" ما را اموالمان و خانواده مان را بازداشت " (فتح/۱۱)

ازچنین مشغولیت ها بگریز.

" آنان الله را فراموش کردند. الله هم آنان را فراموش نمود " (توبه/۶۷)

درواقع نصیب ایشان قطع گردیده است.گوئی درشیب ترسناک هستند.توازمیان اینها خارج شو.

" از الله کمک بخواهید " (اعراف/۱۲۸) تابع این امرالهی شو .ازاو کمک بخواه.

" آنانکه درایمان پیشرو هستند، ایشانند پیشروان " (واقعه/۱۰)

به این معنا دقّت کن. " درواقع آنان کسانی هستند که ازسوی پروردگارشان به هدایت رسانده شده وبه نجات رسیده اند " (بقره/۵)

هدفت رسیدن به این هدایت باشد.هدفت واردشدن به میان این زمره باشد.کارهائی راکه برای توتوضیح داده میشود را انجام بده وکامل کن. با امید صبرکن.

" ایمان آورندگان راباپاداش درستکاریشان که درنزد پروردگارشان است بشارت ده " (یونس/۲)

این آیه یک بشارت است.روزی درِتو راهم خواهدکوبید .

" الله نسبت به انسانها صاحب شفقت و مرحمت بسیار است . " (بقره/۱۴۳)

به معنای این جمله فکرکن.این فرمان چنین است :

" به شما ازسوی پروردگارتان دلیل و حجّت ها آمد " (انعام/۱۰۴)

هرکس که این فرمان رادریافت دارد به سِرهای پنهان واقف خواهدشد.

" این راهِ راست ومستقیمِ پروردگارت است " (انعام/۱۲۶)

اگراین معنا را دریابی به آن راهِ راست و مستقیم می افتی.

" آنانکه ایمان آورده و اعمال نیکو انجام می دهند را با بهشت هائی که درآن از زیر درختها رودها در جریان است بشارت ده " (بقره/۲۵)

اگربه آن راه واردشوی به سوی این مقام پیش خواهی رفت. به جائی که حسرتش را کشیده ای خواهی رسید.

" برای ایشان درنزد پروردگارشان درجات ،مغفرت و روزی هست " (انفال/۴)

توهم از جمله آن زمره خواهی شد.سپس :

" از نزدما کسانی که درحقّ ایشان احسان تقدیرشده ... " (انبیاء/۱۰۱)

این آیه به یاریت می رسد.ازخانه سلامت خبرت می دهد.

" الله ازایشان راضی شد وایشان هم از الله راضی شدند " (مائده/۱۱۹)

پنجره معنا دربرابرت بازمی شود.توهم آرزو می کنی یکی از آنها شوی.دربرابرت بزرگی پدیدارشده می گوید :

" هرکس قولی راکه به الله داده بجا آورد ، الله پاداشی بزرگ به او خواهد بخشید " (فتح/۱۰)

الله تعالی نصیب مان فرماید که آنچه قول داده ایم رابجا آوریم. آمین

نامه سیزدهم

ای عزیز،

قلب آینه ای درخشان است.گردوخاکِ روی آن را باید پاک کرد.اگر گردوخاک از روی آن پاک شود انوارتجلّی خواهدکرد.

" الله نورآسمانها و زمین است " (نور/۳۵)

نوری که دراین آیه بیان شده ، اگربه قلب بتابد چراغِ قلب روشن می گردد.

" آنچه که ازروغنش سوخته میشود و به اندازه تابنده ترین ستاره ها درخشان است، ازداخل شیشه مانند قندیلی است که شبیه چراغ است "   (نور/۳۵)

نورِقلب گشوده می گردد.ازآنجا صاعقه های کشف، گسترده می شود.

" همان است که نسبتی به شرق وغرب ندارد "   (نور/۳۵)

" ازدرخت مبارک زیتون ،بدون تماس با آتش، آن چنان درخشان که خودبخود نورافشانی می کند " (نور/۳۵) به اعتباراین معنا، درختِ کشف آن سوها را هم می سوزاند و شفاف می گردد

" آنقدر درخشان که بدون تماس با آتش ، خودبخود نورافشانی می نماید " (نور/۳۵)

این معنا صافی آن را بیان می نماید.قندیل های فکر روشن میشود.زیرا به آنجا نورِ الله تعالی را منعکس می گرداند. زمانیکه نورالهی به آنجا خورد، سِرّ آسمانها با ستاره ها زینت می شود .

" انسانها با ستاره راه خود را می یابند " (نحل/۱۶) این آیه همین را تثبیت نموده است.آنها ستاره نیست بلکه نور الهی است.

" ما آسمان دنیا را با زینت های ستاره مزیّن نمودیم " (صافات/۶)

این آیه عالمِ نور را می فهماند.درآن زمان است که نورِ عالم درون درخشش می گیرد.

یا همه با هم می آیند یا تک تک .بخشی ازاین آمدن رادربالا بیان نمودیم.

یک قسمت دیگرراهم درپائین بیان خواهیم نمود.

مهتاب هائی با آرامش زائیده خواهد شد.مهتاب دراینجا ماه است.از افق طلوع می نماید.

" تمامی اینها نور بر روی نور است " (نور/۳۵)

ازافق بالا می آید.ماه طلوع می کند . وماه بالا می آید.

" درماه توقّف گاه هائی تقدیرنمودیم " (یس/۳۹)

ابرهای غفلت برمی خیزد.

" به شبی که عالم را با تاریکی می پوشاند قسم می خورم که ..." (لیل/۱)

شبی که دراین آیه کریمه افاده میشود، شبهای غفلت ، گشوده می شود.با این گشوده می شود:

" به روزی که دنیا را روشن می نماید قسم می خورم که .... " (لیل/۲)

سپس چه ها که می شود .

" آنانی هستند که درسحرها استغفار می کنند " (آل عمران/۱۷)

عطرهای ذکری که با این آیه کریمه بیان می گردد، بازمی گردد.نغمه های باحزن پخش می گردد.

" دربخش کمی ازشب می خوابیدند " (ذاریّات/۱۷) همانگونه که این آیه اشاره نموده درسحرها مانند بلبل نغمه سرائی می کنند.

" الله هرآنکه راکه اراده نماید به نورخویش می رساند " (نور/۳۵)

با این معنا بانورهای اصیل صبح می نمایند.بعدازآن خورشیدِ معرفت طلوع می نماید.

" آنکه اورا الله هدایت نموده ، راه راست را یافته است " (اعراف/۱۷۸)

برجِ معنا از اینجا طلوع می نماید .

سِرّ این آیه تجلّی می نماید :

" خورشید نمی تواند به ماه برسد.شب هم نمی تواند از روز جلو بزند.همه آنها هرکدام درمداری

سریان دارند " (یس/۴۰)

به این ترتیب تمامی مشکلات حل می گردد .

" الله برای فهمیدن انسانها داستان ها اراده می نماید. الله داننده همه چیزاست . " (نور/۳۵)

درمیان این حکایت ها چیزهائی که دانستن آنها سخت باشد هم به میدان می آید.حقایق درخشش می-گیرند.این احوال ، اسرارِ نورالهی است.عالم درون را روشنائی می دهد. آن را ازآن بفهمیم و دریابیم.

نامه چهاردهم

ای عزیز،

عرفان به خودی خود یک مساله است.اوّلین چیزِ با ارزشی که انسان می تواند بدست آورد عرفان است.یعنی معرفت با آن عالم درون تو احاطه میشود.درآنجا خورشیدهائی بسیار هست.روشن شدنِ راهت وابسته به طلوع خورشیدِ معرفت است.پس از طلوع باید آن را به کمال رساند.

" امروز برای شما دین تان را کامل نمودم و نعمتم برشما را کامل ساختم "   (مائده/۳)

با این آیه به تثبیت رسیده است.خورشیدِ معرفت طلوع نموده است.

" و برای شما بعنوان دین ، اسلام را پسندیدم " (مائده/۳)

" نعمتم برشما را کامل ساختم " (مائده/۳)

برای رسیدن به این مرتبه، اخلاص و محبّت لازم است. لوح محبتی لازم است که برآن با اخلاص نوشته شده باشد. صاعقه نورهائی که آیه بیان نموده درخشیدن می گیرد.چشم یقین شروع به بازشدن می نماید.

" آن کس که الله سینه اورا برای اسلام وسعت بخشیده است ، او ازسوی ربّش برنورِهدایت است "

(زمر/۲۲)

اثرات این حال رامشاهده می کنی.

" وعده پروردگارت حقّ است " (کهف/۹۸)

این از پرده عظمت می باشد.میتوانی صاحب بسیار چیزهای دیگر گردی.

" تمامی سربازان درآسمانها وزمین ازآنِ الله می باشد " (فتح/۴)

اینجاست که اسرارِ این معنا را آغازبه فهمیدن می نمائی.

" درزمین برای صاحبان دانشِ کامل نشانه ها وجود دارد.همینطور در نفس هایتان.آیا اینها را نمی بینید ؟ " (ذاریات/۲۰-۲۱)

بافهمِ این ظرائف وحقائق نائل به شرف شو.

" به هرطرف که روی گردانید وجه الله در آنجاست " (بقره/۱۱۵)

به رموز این معنای پنهان بیندیش. پس از این عالم به عالم دیگری باید گذارنمود.هرعالم برای خودش حال خاصّی دارد.عرصه قلب گشوده می گردد. درآنجا بادهای معنوی به وزش درمی آید.

" مارحمت خویش رابه هرآنکه بخواهیم نصیب می نمائیم " (یوسف/۵۶)

معنای این آیه یک منبع فضیلت می باشد.

" ما بادهای بارورکننده فرستادیم " (حجر/۲۲)

احسانِ فضیلت آشکار می گردد.

" الله نسبت به بندگانش صاحب احسان و لطف می باشد " (شوری/۱۹)

" ما پاداشِ کسانی راکه اعمالشان نیکو است را ضایع نمی گردانیم " (کهف/۳۰) پس از این :

" الله به همراه کسانی است که از بدی ها دوری می جویند و نیکی می نمایند. " (نحل/۱۲۸)

به باغ این معنا بیندیش.برگهای مشاهده حرکت می کنند و ازآنان میوه های تجلّی می زاید.

" این لطف وکرم الله است.آن را به هرکه اراده کند می بخشد.الله صاحب فضل و عنایت عظیم است"

(حدید/۲۱)

منابع به جوشش می افتند ونمونه ای ازآبشار می زاید.

" الله صاحب فضل وعنایت عظیم است " (حدید/۲۱)

به بلندی کوههاست.مانند آبشار فرو می ریزد.به سوی وادی قلب سریان می یابد. درتمامی این احوالات توخبری ازباطن کارنداری.اینها محبّت الهی است :

" به آنانکه ایمان آورده وکارصالح انجام دهند، رحمن یک عشق خواهد بخشید " (مریم/۹۶)

دیگر ازحالت خشنود خواهی شد وخواهی ترسید که این حال ازدستت برود.محزون می گردی. کسی که این حال راعنایت نموده ازتو پس نخواهد گرفت.بلکه بهترش را خواهد داد. درآن لحظه دربرابرت یک مژده پدیدار می گردد:

" ای بندگان من ،امروز ترسی برای شما نیست، شما غمگین هم نخواهیدشد " (زخرف/۶۸)

این بندگان بیکار نمی مانند.دیگر، ازآن عوالمِ دیگر هستند.مدّتی بعد ازاین عالم جدا می گردند

" شهر بسیار زیبائی است ، پروردگارتان نیز بسیار بخشنده است " (سبا/۱۵)

درواقع به آن بلده رسیده میشود.به پیشوازشان رضوان ها (فرشتگان) می آیند.

" ازپروردگار رحیمشان نائل به سلام می گردند " (یس/۵۸)

با این جملات سلام وتحیّات می خوانند. می گویند : خوش آمدید.

الله ازایشان راضی گردید " (مائده/۱۱۹)

سپس برسرِ سفره الهی می نشینند.سپس به اوخطاب می گردد :

" برای شما دراینجا هرآنچه که طلب نمائید وجانتان بخواهد موجود است.بعنوان اکرامی از الله که غفور ورحیم است " (فصّلت/۳۱-۳۲)

پس ازاین خطاب،نعمتی بی پایان آغازمیشود.دیگرآنها خوشنودوخوشبخت هستند.

مولای تعالی نصیب همه مان گرداند .آمین ....

نامه پانزدهم

ای عزیز،

یک نامِ قلب، سلیم است.با آن قلب انسان انسانیّتِ خود را می یابد.آن قلب، آن تکّه گوشت که درسینه - ات هست نمیباشد.دریک حدیث قدسی الله چنین فرمودند :

" زمینم ،آسمان ها نتوانست مرا دربرگیرد، درقلبِ بنده مومنم جای می گیرم "

آن عظمت آیا دراین تکّه گوشت می گنجد؟ آن عظمت تنها درقلبِ سلیم می تواند باشد.تو آن قلبی. دائماً آن راجستجوکن.

" ای صاحبان بصیرت، ازاین عبرت گیرید " (حشر/۲)

این معنا را بفهم .بادرک این دنیا، عوالم دیگر را نمی توانی دریابی.برای آن یک درکِ دیگر باید باشد.

این چشم آن سوی پرده را نمی تواند ببیند.چشم قلبی لازم است که ازپرده بگذرد:

" ما نشانه های خودرا درافق ها ودرنفس های خودشان قبل ازاینکه زیاد زمانی بگذرد نشان خواهیم داد. " (فصّلت/۵۳)

این نشانه ها وعلامت های اشاره شده درآیه کریمه را دریاب.

" درعالم هیچ چیزی نیست که اورا تسبیح ننماید امّا شما تبسیح های آنهارا نمی توانید ادراک نمائید" (اسری/۴۴)

اگراین معنا را دریابی کار را هم درخواهی یافت.این معرفت نامیده می شود.براحتی بدست نمی آید.برای فهمیدن آن چشم بصیرت لازم است. توقلب سلیم راجستجوکن .بایک درکِ کامل آن را جستجوکن تا که بیابی.

" اگربندگانِ من ازتو مرا بپرسند، من نزدیک هستم.زمانیکه به من دعا شود ، دعای دعا کننده را اجابت می نمایم " (بقره/۱۸۶)

این معنای عمیق را دریاب.سعی کن به ذاتِ آن فرو روی.اگرچشمِ بصیرتِ قلب بازگردد، بامعنای آیه به عالمِ معنا خواهی رسید.چشم بصیرت وظائف بسیاری دارد.قلب سلیم ازهمه آنها متفاوت است.همه

خوبی ها بسوی کسی می آید که صاحب آن باشد (قلبِ سلیم) درآغاز ازخواب غفلت بیدار می نماید.

" بگذار آرزوها آنها رابه بازی گیرد، بعداً خواهند فهمید. " (حجر/۳)

قبل از اینکه شامل این تهدیدها گردی بیدارشو.

" خواهدگفت که آیا تصوّرکردید که ما شمارا بی هدف خلق نمودیم و به ما باز نخواهید گشت؟ " (مومن/۱۱۵)

قبل ازاینکه شامل این تهدیدِ خشن شوی خودت را محافظت کن. اگر درقلب قابلیّت باشد یک هشدارِملایم می آید :

" برای شما غیراز الله دوست و یاوری نیست " (بقره/۱۰۷)

به این حلقه بچسب و تا بیدار شدی :

" به الله فرار کنید و پناهنده اوگردید " (ذاریات/۵۰)

با این فرمان سواربرکشتیِ معنا شو.

" من جنها و انسانها را تنها برای اینکه مرا عبادت نمایند خلق نمودم " (ذاریات/۵۶)

دیگربا کشتیِ معنا در دریای معنا حرکت می کند.اما کار با این هم خاتمه نمی یابد.

" محقّق که با یک نجات بزرگ ، نجات یافت " (احزاب/۷۱)

جوهراین معنا را جستجو کن.اگربتوانی بیابی   با بادبانهای روح به دریاهای عمیق خواهی رفت.آنجا دریائی کاملاً متفاوت است.درآنجا نیستی وجود ندارد.درآنجا تنها می توان موجود شد.اساسِ مساله نیست شدن است.زیرا پاداشش بزرگ است .

" پاداش کسی که به عنوان مهاجر به الله و رسولش ازخانه خارج شده (هجرت نموده) وسپس مرگ اورا دریافته ، برعهده الله است " (نساء/ ۱۰۰)

نیست شو تا هست گردی.تا هستی نیاید ، نیستی نخواهدبود. رأس هرکاری قلبِ سلیم است.مبادا هرگز این را فراموش کنی.

الله تعالی به ما قلبِ سلیم نصیب فرماید.ما رانیست نموده و با هستی خود ما را هست گرداند.آمین.